

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن – المان

پنجۀ فولاد

قهرمانِ عصرِ حاضر ، این سخن یادت نره
خانه و نان و لباسِ مرد و زن ، یادت نره
سوی خوبان گه گهی ، چشمکِ زدن یادت نره
پیرهن ، تنبان ، قره قل ، با چین یادت نره

چرس و نسوار و چلم ، ای جانِ من یادت نره

یادِ ایامی که در کابل ، بهاری داشتیم
در بهاران ، هر طرف گشت و گذاری داشتیم
قرغه و پغمان و استالف ، قراری داشتیم
بس پلان ، دانه و ، دام و شکاری داشتیم

وعده شهر نو و ، دان چمن یادت نره

یادِ نوروز و ، برات و ، عیدِ قربان هم بخیر
رفت و آمد ها و دیدارِ عزیزان هم بخیر
میله گل غندی و ، سیرِ سخی جان هم بخیر
شرط بندی های پیران و جوانان هم بخیر

گر پل بهسود رفتی ، آمدن یادت نره

زور بی قالب ، به میهن ، خود نمایی میکند
زاغ بی دم ، دور گل ، نغمه سرایی میکند

موش ، در نزد **پشک** ، دیده درایی میکند
ناخلف ، حتا به بابا بیوفایی میکند

احترام و حرمت ، مادروطن یادت نره

چادر تبعیض ، بر روی **زنان افتاده بود**
حق زن در زیر پای ناکسان افتاده بود
گوشه منزل ، اسیر و بی زبان افتاده بود
گرچه مادر بود ، با آه و فغان افتاده بود

اولین استاد حرف و ، گپ زدن یادت نره

ظالمان **درس سیاست** ، بی کتابت داده اند
دالر و کدار و ربل بی حسابت داده اند
با **پلان شوم امریکا** ، نقابت داده اند
عاقبت از **خون هم میهن** ، شرابت داده اند

طفل مظلوم یتیم و ، بیوه زن یادت نره

ای جناب **بوش** ، می لازم که تو ، با ماستی!!!
با **تونی بیلیر و شارون** ، گاهی با ملاستی
گاهی با **پوتین و کرزی** ، گاهی هم تنهاستی
گاهی چون **اسامه و ملا عمر** ، رؤاستی

ملت باغیرت و ، زنجیرشکن یادت نره

انگلیسی ها ، ز راه **دین و مذهب** تاخندند
آبروی خویشان را ، روسها ، مفت باخندند
لغتی های عرب ، دامی ز جهل انداختند
مثل **خود ما را به امریکاش** ، نوکر ساختند

پنجه فولاد افغان ، ریشه کن یادت نره

کاش بودی شاه امان الله درین عصر و زمان
با **وزیری** ، همچو **اکبرخان** ، آن شیر **ژیان**
پرچم وحدت و استقلال ، بودی **جاودان**
ریشه کن می گشت استعمار ، از **افغان ستان**

دشمنان را مُشت سنگی ، بر دهن یادت نره

حیف ، قدر و حرمت **بیچاره را** نشناختیم

با ملاها و چلیها ، سخت بر او تاختم
بیوطن ، آواره ، از شهر و دیارش ساختیم
ثروت داد خدارا ، مُفت و بیجا باختیم

باندامت ، پاره تادامن ، یخن یادت نره

یاد ایامی که مارا جشن استقلال بود
بر وزیر و ، بر اجیر و ، تاجر و بقال بود
هر فقیر و هر غنی ، آسوده و خوشحال بود
وحدت پندار و هم اقوال و هم اعمال بود

حال جنگ کرگس و زاغ و زغن یادت نره

روز و شب ورد زبان خویش وحدت کرده ایم
در عمل ، از جمله ممنوع ، نفرت کرده ایم
افتخار خویشتن ، بَغض و عداوت کرده ایم
پُشت ادیان الهی ، سخت ، تهمت کرده ایم

روز محشر پیش داور ، آمدن یادت نره

ای تفنگ سالار ، کیش و دین و آیین تو جنگ
روز و شب داری عبادت ، با کلنگ و با تفنگ
شیشه دل پاک بنما ، از تمام رنگ و زنگ
اشرف مخلوق میباشی ، نه کفتار و پلنگ

مظهر وصف و صفات حق شدن یادت نره

خامه تدبیر ما ، آخر به جولان آمده
واژه های وحدت عالم به میدان آمده
صفحه دل پاک ، بر تحریر پیمان آمده
صلح عالم در جهان ، دارو و درمان آمده

سُفته های شاعران ، در انجمن یادت نره

رسم و آئین دورنگی از جهان بیگانه شد
کینه و بَغض و عداوت ، کسب هر دیوانه شد
اهل عالم عضو ، بر یک خانه و کاشانه شد
زن به مثل زلف و اما ، مرد بر او شانه شد

«نعمتا» بلبل به شاخ نسترن یادت نره